مشکل نمادگذاری برای پیشرفت هوش مصنوعی نمادگرا

بخش دوم، تحلیل این هوش پایه‌محور است؛ تحلیل پایه‌ای که بشر الآن دارد به‌صورت برنامه‌های هوش مصنوعی پیش می‌برد که به صورت پایه‌محور، معانی را بین خودشان و بین بشر و خودشان و ... در و بدل می‌کنند و انواع و اقسام چیزهایی که هست و دارد پیشرفت می‌کند. در این‌جا، تحلیلی که عرض کردم این بود: مشکلاتی که سر راه پایه‌محوری می‌آید، می‌توانیم جواب بدهیم. یکی از مشکلاتی‌ترین چیزهایی که می‌گفتند این بود: نمادگذاری ناقص است؛ نماد فقط برای علم حصولی به درد می‌خورد. اصالً کلاً علم حضوری را نمی‌توانیم نمادگذاری کنیم و علم حضوری که نماد ندارد. علم حصولی است که به صورت قضیه درمی‌آید؛ «قول یحتمل الصدق و الکذب». اگر گزاره شد، بله؛ ما می‌توانیم نمادگذاری کنیم و جلو برویم. اما در غیر محدوده نمادگذاری، نه.

من عرض کردم که این درست است و در محدوده‌هایی ما قبول داریم. مثلاً نفس آگاهی و خودآگاهی، ریختش، ریخت نمادین نیست. و لذا وقتی خواستم آگاهی پایه‌محور را عرض کنم، سراغ بسته‌بندی زمان رفتم. بسته‌بندی زمان، یک فضایی در حوزه دیگری داشت و به نماد و معناهایی که نماد بتواند حاملش باشد، ربطی نداشت. برای درک معنا، سراغ شبکه نمادها رفتیم تا به آن صورت توجیه‌ش کنیم. ما این مسیر را رفتیم که از قلب سخت‌افزار شروع کردیم و به این‌جا رسیدیم. البته دنبال‌هاش هم هنوز مطالب خوبی هست.

بازبینی #2
ایجاد شده 27 مه 2025 16:51:04 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 مه 2025 17:08:32 توسط ... .